

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی (سعید افغانی)
۰۱ اپریل ۲۰۱۸

عقیقه و آذان در گوش طفل نوزاد

۱

عقیقه و احکام آن:



صاحب مختار الصحاح می فرماید: عقیقه و عقه بکسر (ع) به معنای موئی است که به هنگام ولادت نوزاد انسان و حیوان بر بدن او است و گوسفندی که برای نوزاد در اولین هفته ولادتش ذبح می شود، بدان نامیده شده است. عقیقه به نزد اکثریت از علمای اسلام سنت مؤکده است ولو که والدین فقیر و تنگ دست هم باشند. زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم و یارانش برای فرزندان شان عقیقه کرده اند.

صاحبان سنن روایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هریک از نواسه های خویش، حسن و حسین فرزندان علی بن ابی طالب قوچ عقیقه کرده اند.

لیث و داوود ظاهری عقیقه را واجب می دانند. احکام عقیقه چون احکام قربانی است به فرق این که در عقیقه مشارکت جایز نیست.

عقیقه در زندگی خانوادگی از مهمترین مسائلی است که باید والدین (پدر و مادر) به آن اهتمام و توجه کامل داشته باشند. مسأله تربیت و آموزش علم و دانش و ترویج و تطبیق سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم به خانواده و از آنجمله به فرزندان است.

پدر و مادر باید به فرزندان صالح و نیکوکار خویش شخصیت داده و احترام گذارند، از مصادیق اعانت و یاری فرزندی بر نیکوکاری این است که پدر و مادر از دوران کودکی، بلکه قبل از تولد فرزند، با مهیا نمودن محیط سالم، زمینه را برای رشد و تکامل آنان آماده و مساعد نمایند. چرا که کوچکترین رفتار و گفتارشان در نوزاد تأثیرگذار می باشد.

در دین مقدس اسلام و تعلیمات اسلامی تربیه از همان بدو تولد آغاز می گردد. از آذان و اقامه گفتن در گوش طفل گرفته، تا انتخاب نام نیک و با مفهوم برای وی، به خرچ دادن سعی و تلاش برای رشد و مراقبت همه جانبه از طفل، فراهم ساختن تربیه سالم و مفید و آموزش های لازم و مفید و رشد و شکوفائی خصلت های پاک انسانی در او، از جمله

امور و وظایفی اند که دین مقدس اسلام و شریعت غرای محمدی برآن حکم فرموده است. همچنان عقیقه از جمله امور است که دین مقدس اسلام برآن هدایت و دستور فرموده اند. عقیقه عبارت از ذبیحه‌ای است که از کشتن گوسفند یا هر حیوان دیگری که صلاحیت قربانی کردن را داشته باشد، برای طفل نوزاد و به جای او ذبح می‌شود، به یاد داشته باشید جهت حفظ فرزند از بلاها، پرداخت قیمت عقیقه کفایت نمی‌کند.

فضیلت عقیقه:

صاحبان سنن از سمره از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت کرده‌اند که گفت: «کل مولود رهینه بعقیقه تذبح عنه یوم سابعه ویحلق ویسمی» پرورش نیکو و شایسته و صلاح و حفظ نوزاد در گرو عقیقه‌ای است که به جای او ذبح می‌شود در هفتمین روز ولادتش که مویش را می‌تراشند و او را نامگذاری می‌کنند).

(نام گذاری خوب یکی از مسایل مهم ارجگذاری برای طفل و بحث مهم و مستقلى است که درمورد به تحقیق جداگانه خواهیم پرداخت).

همچنان در حدیثی از سلمان بن عامر ضبی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «الغلام عقیقه، فأهریقوا عنه دماً، وأمیطوا عنه الأذى» (عقیقه نوزاد پسربا وی است پس برایش خون بریزید یعنی به جای او گوسفندی ذبح کنید و آلودگی و نجاست را از او دور کنید). (به روایت پنج نفر از اصحاب صحاح).

عقیقه پسر و دختر:

مطابق حکم حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم نیکوتر آنست که برای طفل نوزاد پسر دو رأس گوسفند نزدیک به هم از نظر شباهت و سن و برای نوزاد دختر یک رأس گوسفند ذبح شود. ام‌کروز کعبی گفت: از پیامبر صلی الله علیه و سلم شنیدم که می‌گفت: «عن الغلام شاتان متكافئتان وعن الجارية شاة» (به جای نوزاد پسر دو گوسفند قریب به هم در رنگ و سن و به جای نوزاد دختر یک گوسفند سرببرید و عقیقه کنید).

و یک گوسفند هم به جای پسر کفایت می‌کند چون پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هریک از حسنین چنین کرد طوری که قبلاً بیان گردید.

در مورد این که چرا برای پسر باید دو گوسفند قربانی شود و برای نوزاد دختر فقط یک گوسفند، حکمتش را امام ابن قیم جوزیه در کتابش «تحفة المودود» این چنین توصیف کرده است: «و شرع فی المذبوح عن الذکر أن یکون شاتین إظهاراً لشرفه وإباحة لمحله الذی فضله الله به علی الأنثی، كما فضله فی المیراث والدية والشهادة»، یعنی: (و خداوند برای نوزاد پسر ذبح دو گوسفند را مشروع کرده است به علت نشان دادن شرف و برتری جنس مذکر بر مؤنث، همانگونه که او را در مسائل میراث و دیه و شهادت بر مؤنث برتر ساخته است). والله اعم

عقیقه مستحب است یا واجب:

علماء در مورد این که حکم عقیقه در شرع اسلامی مستحب است و یا واجب، سه قول معروفی را در این مورد ارائه و بیان فرموده اند:

برخی از علماء می‌فرمایند که حکم عقیقه در شرع اسلامی واجب می‌باشد، برخی دیگری از علماء بر مستحب بودن عقیقه در شرع اسلامی حکم می‌کنند و برخی دیگری از علماء از جمله امام صاحب شافعی و امام صاحب حنابل بدین

نظر اند که عقیقه از جمله سنت مؤکده می باشد ، و این قول ارجح هم می باشد. زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : «مَنْ وُلِدَ لَهُ وَلَدٌ فَأَحَبُّ أَنْ يَنْسُكَ عَنْهُ فَلْيَنْسُكْ، عَنْ الْغُلَامِ شَاتَانِ مُكَافِئَتَانِ، وَعَنْ الْجَارِيَةِ شَاةٌ» أبو داود (۲۸۴۲).

یعنی : «هرکس صاحب طفل شد، و دوست داشت برای او ذبح کند؛ پس برای پسر دو گوسفند یکسان و برای دختر یک گوسفند ذبح کند».

علامه عبد المحسن عباد در «شرح سنن ابوداود» گفته : «از ظاهر این حدیث اینگونه برداشت می شود که عقیقه واجب نباشد».

علمای هیأت دائمی افتاء نیز گفتند : «عقیقه سنت مؤکده است، برای پسر دو گوسفند و برای دختر یک گوسفند ذبح می شود، و در روز هفتم (تولد) ذبح شود و اگر از روز هفتم به تأخیر افتاد جایز است در هر وقتی آن را ذبح نمود و به علت تأخیر آن گناهکار نمی شود، هرچند بهتر است تا جایی که ممکن است آن را زود انجام داد» «فتاوی اللجنة الدائمة (۱۱ / ۴۳۹)».

بادر نظر داشت حکم ادای عقیقه که در بین فقها مورد اختلاف می باشد ، اما با این وجود هیچ کدام اختلافی بر سر این مسأله ندارند که انجام عقیقه بر فقیر واجب نیست چه رسد بر انسان قرضدار، چرا که حتی انجام حج – که از عقیقه مهم تر است – بر پرداخت قرض پیش نمی افتد.

وقت ذبح عقیقه:

احادیثی که درباره عقیقه روایت شده است اشاره به این دارد که باید عقیقه در روز هفتم، روز ولادت ذبح شود. بعضی از اصحاب گفته‌اند: اگر در روز هفتم این کار صورت نگیرد روز چهاردهم، اگر باز هم در روز چهاردهم صورت نگیرد ، باید در روز بیست و یکم، اگر آن روز هم از دست رفت، هر وقت که امکان داشت، این کار را انجام دهد ، حتی اگر شده بعد از یک ماه، چند ماه، یک سال و حتی چند سال.

برخی از علماء بر این امر معتقد اند : زمانی که طفل به سن بلوغ رسید حکم عقیقه ساقط می‌شود و عده ای دیگر بدین باور آند که اگر عقیقه شخصی صورت نگرفته بود، خود شخص هم می تواند عقیقه خویش را ادا کند، ولی در این باره دلیل محکم و صحیحی وجود ندارد. به همه حال اگر امکان ذبح در آخر هر هفته‌ای وجود داشت بهتر است. اگر این کار سخت بود، تعجیل آن در هفته‌های اول و دوم ایرادی ندارد.

حکمت کلی در امر عقیقه وجود دارد بی نهایت عالی و ذی فهم است ، برخی از این حکمت ها را می توان در نقاط ذیل جمع‌بندی و خلاصه نمود :

- آنچه که به طفل بر می گردد. مثل دعا کردن که در دعای عقیقه وجود دارد، و اجرای عقیقه در واقع قربانی برای این طفل است .

- آنچه که به فقراء در امر عقیقه بر می گردد و ما می بینیم که به تبعیت اسلام در این قضیه اطعام و تصدق به فقراء صورت می گیرد و این همان چیز است که مطلوب دین و مورد تأیید آیات و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم است .

- آنچه که به مسائل اجتماعی بر می گردد و از مستحبات دعوت مؤمنین است (اعم از فامیل وسایر مسلمانان) طوری که دین مقدس اسلام به دعوت مؤمنین و زیارت کردن همدیگر و رابطه محبت آمیز و انس و الفت سفارش کرده است و در این ملاقاتها اهداف فوق الذکر تحقق می یابند.

- آنچه به مسائل عاطفی برمی گردد، این که خانواده طفل مورد توجه قرار می گیرند و مردم در خوشحالی آنان شرکت نموده، آرامش و دلگرمی پیدا می کنند .

- علاوه از همه عمل عقیقه یک نوع شکر گزاری از پروردگار با عظمت برای نعمت صاحب فرزند شدن، است. نعمتی که گوئی در نعمت های دنیا همتا ندارد.

توزیع گوشت عقیقه:

در مورد این که احکام توزیع و مصارف گوشت عقیقه مثل گوشت قربانی می باشد علماء نظریات مختلف و متفاوتی دارند .

برخی از علماء و فقهاء بدین نظر اند که احکام و مصارف گوشت عقیقه مانند قربانی است، بنابراین مستحب است آن را به سه قسمت تقسیم نمود و یک قسمت را برای خود، قسمت دیگر را بین نزدیکان و دوستان توزیع نمود و باقیمانده را بین فقراء توزیع نماید.

برخی دیگر از اهل علم گفته اند: عقیقه مثل قربانی نیست، و لذا می توان با گوشت آن هرگونه که خواست عمل کرد. امام ابن قدامه می گوید : «روش (استفاده از گوشت عقیقه) در خوردن و هدیه دادن و صدقه کردن آن؛ همان روش قربانی است .. و این رأی امام شافعی نیز می باشد .

ابن سیرین گفته : با گوشت آن هرگونه خواستی عمل کن . ابن جریر اظهار نموده که : گوشت آن را با آب و نمک طبخ کن و بین همسایگان و دوستان پخش کن و چیزی را صدقه مده و از امام احمد در این باره سؤال شد او در جواب حکم و جواب ابن سیرین را تأیید نمود و این دلالت می کند که ایشان بر نظر ابن سیرین هستند، و باز سؤال شد که آیا گوشت آن را بخورد؟ جواب فرمود : این را نمی گویم که همه گوشت را بخورد و چیزی را صدقه ندهد. (رأی) نزدیکتر به صواب آنست که عقیقه را بر قربانی قیاس نمود، زیرا عقیقه ذبحی مشروع و غیر واجب است مثل قربانی، وانگهی (حیوان) عقیقه در صفت و سن و اندازه و شروط مشابه قربانی است پس در مصرف نیز مشابه آن خواهد بود..» (المغنی (۹ / ۳۶۶) .

امام شوکانی در کتاب «نیل الأوطار» (۵ / ۲۳۱) آورده : «آیا آنچه در قربانی شرط شده در عقیقه هم شرط است؟ شافعیه در این مورد دو دیدگاه دارند و استدلال شده بر این که در عقیقه دو گوسفند (برای ذبح) است و این دلیل بر عدم اشتراک است، و این سخن حق است».

همچنین فرقهائی بین عقیقه با قربانی ذکر کرده اند که دلالت بر عدم تشابه این دو در همه چیز هستند. و به طور کلی در سنت نبوی طریقه مشخصی برای توزیع گوشت عقیقه وارد نشده است، وانگهی هدف از عقیقه تقرب الی الله با ریختن خون حیوان به شکرانه نعمت الهی (تولد نوزاد) است، با این وجود می توان گوشت عقیقه را هم هدیه داد و هم صدقه نمود، و یا فقط اهل خانواده از آن بخورند و یا قسمتی را خود بخورند و قسمتی را توزیع کنند، و این نظر ابن سیرین رحمة الله است.

و از بعضی از سلف صالح مثل جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت شده که تمام گوشت عقیقه را طبخ می کردند، حتی آن قسمتی که صدقه داده می شد و عطاء بن ابی رباح درباره عقیقه می گفت : «یقطع آرابا آرابا، و یطبخ بماء وملح ، و یهدی فی الجیران». یعنی : «اعضای اصلی بدن آن قطع شود (مثل دست و پا)، و با آب و نمک طبخ داده شود و بین همسایگان پخش شود». روایت بیهقی در سنن (۱۹۸۲۷).

و از عایشه رضی الله عنها روایت شده که درباره گوشت عقیقه گفت: «يُجْعَلُ جُذُولًا، يُؤْكَلُ وَيُطْعَمُ». یعنی: «اعضای آن قطع می شود، و از آن خورده می شود و صدقه داده می شود». روایت ابن ابی شیبۀ (۵۳۲/۵).

شیخ ابن باز می گوید: «کسی که عقیقه کرده مختار است؛ اگر خواست گوشت آن را بین نزدیکان و دوستان و فقراء توزیع کند، و اگر خواست گوشت آن را طبخ کند و هرکس را که خواست از نزدیکان و همسایگان و فقراء دعوت کند...» (مجموع الفتاوی (۲۶۲/۴).

و شیخ ابن عثیمین گفته: «هم از گوشت آن بخورد، و هم هدیه دهد، و هم صدقه دهد، و مقدار مشخصی لازم نیست که رعایت شود، آن مقدار که مقدور بود از آن بخورد، و آن مقدار که مقدور بود هدیه کند و صدقه دهد، و اگر خواست نزدیکان و دوستانش را (برای صرف گوشت عقیقه) دعوت کند، چه در داخل شهر یا خارج شهر، ولی در اینحالت لازمست مقداری هم به فقیر بدهد و ایرادی ندارد که گوشتش را طبخ نموده یا به صورت خام توزیع کند، امر در آن وسعت دارد» (مجموع فتاوی (۲۰۶/۲۵).

به هر حال اگر کسی از گوشت عقیقه چیزی را پخش نکند، عقیقه درست است، خلاف قربانی که باید قسمتی از آن را توزیع کرد.

اهدای شیرینی عوض عقیقه:

قبل از همه باید گفت که توزیع شیرینی برای تولد نوزاد، جای عقیقه را نمی تواند بگیرد. امام ابن قیم رحمه الله می گوید:

«ذبح حیوان عقیقه از صدقه دادن پول آن افضلتر است، حتی اگر پول از ارزش حیوان بیشتر باشد، زیرا هدف از عقیقه ذبح حیوان و ریختن خون است، و این عبادتی مقرون به نماز است، چنان که الله تعالی فرموده: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» (الکوثر / ۲). پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن. و می فرماید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (سوره الأنعام / ۱۶۲). بگو: «نماز و ذبیحه من، و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است». (تحفة المودود بأحكام المولود، صفحه (۱۶۴).

همچنین از هیأت دائمی افتاء در مورد پرداخت پول به جای ذبح عقیقه سؤال شد، آنها جواب دادند: «باید به جای نوزاد مذکر دو گوسفند، و نوزاد دختر یک گوسفند ذبح کند، و پرداخت پول یا همانند آنها جایز نیست». (اللجنة الدائمة (۴۴۹/۱۱).

بنابراین اگر کسی به جای ذبح حیوان عقیقه، پول یا هدایا یا شیرینی را به همسایگان و اقارب هدیه بدهد، عمل او بر خلاف سنت نبوی صلی الله علیه وسلم است، البته ارسال پاکت جهت دعوت کردن مردم ممانعتی ندارد، زیرا این امر داخل در عرف و عادت است ولی نباید در آن اسراف و تبذیر شود، ولی سنت صحیح آنست تا برای پسر دو (یا یک) گوسفند همسن، و برای دختر یک گوسفند، ذبح شود و سپس گوشت آن را بین همسایگان و اقارب توزیع کند و یا آنها را دعوت نموده از گوشت آن حیوان بدانها خوراک دهد.

تبریکی نوزاد:

یکی از حقوقی که والدین نوزاد بالای اقارب و دوستان دارد اینست که برای مادر و پدر طفل در به دنیا آوردن طفل جدید تبریکی عرض نماید و این تبریک گفتن یک رسم قرآنی بوده طوری که در آیت (۷ سوره مریم آمده است: «يَرْكَرِيَا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى» (ای زکریا! ما تو را به پسری که نامش یحیی است مژده می دهیم).

همچنان می‌فرماید: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِمَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران: ۴۵) (فرشتگان گفتند: ای مریم! الله تو را به کلمه ای از جانب خود بشارت می‌دهد که نام او مسیح است عیسی فرزند مریم). پس با تأسی به ملائکه الهی که پیامبران (علیهم السلام) را بشارت فرزند داده‌اند باید به والدین بشارت و تهنیت مهمان جدید داده شود زیرا دین اسلام هیچ مناسبتی را نگذاشته است مگر این که پیروانش را به همدردی و همبستگی در همه برنامه‌های خوشی و غم امر نکرده باشد تا بنای جامعه اسلامی قوی و پایدار باقی بماند.

مژده و بشارت تولد فرزند به دیگران سبب تقویت محبت، استحکام روابط و گسترش مهر و عطوفت بین خانواده‌ها می‌گردد. لذا شایسته است به این امر عنایت خاصی نموده و به ایشان نوید دهیم. در صورتی که توفیق نیافتیم به آن‌ها بشارت دهیم، شایسته است به آن‌ها تبریک بگوئیم. فرق بین این دو این است که بشارت یعنی خبر تولد فرزند یا هر خبر خوشی که مؤمن را خوش‌حال نماید به او بدهیم، ولی تبریک و تهنیت یعنی برای او دعای خیر کنیم. لذا زمانی که مورد قبول حق واقع شدن توبه کعب بن مالک رضي الله عنه و یکی دیگر از یاران پیامبر نازل گردید، فردی سریعاً به او بشارت داد که توبه‌ات پذیرفته شده و مردم با ورود کعب به مسجد به او تبریک و تهنیت می‌گفتند. کعب بن مالک رضي الله عنه زمانی که از تخلف خود در غزوه تبوک یاد می‌نمود چنین می‌گفت:

« سَمِعْتُ صَوْتَ صَارِحٍ أَوْفَى عَلَى سُلْعٍ يَقُولُ بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا كَعْبُ بْنُ مَالِكٍ أَبْشِرْ قَالَ فَخَرَرْتُ سَاجِدًا وَعَرَفْتُ أَنَّ قَدْ جَاءَ فَرَجٌ قَالَ فَأَذَّنَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ النَّاسَ بِتَوْبَةِ اللَّهِ عَلَيْنَا حِينَ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ فَذَهَبَ النَّاسُ يُبَشِّرُونَنَا فَذَهَبَ قَبْلَ صَاحِبِي مُبَشِّرُونَ وَرَكَضَ رَجُلٌ إِلَيَّ فَرَسًا وَسَعَى سَاعٍ مِنْ أَسْلَمَ قَبْلِي وَأَوْفَى الْجَبَلِ فَكَانَ الصَّوْتُ أَسْرَعَ مِنَ الْفَرَسِ فَلَمَّا جَاءَنِي الَّذِي سَمِعْتُ صَوْتَهُ يُبَشِّرُنِي فَتَرَعْتُ لَهُ تَوْبِي فَكَسَوْتُهُمَا إِيَّاهُ بِبِشَارَتِهِ وَاللَّهُ مَا أَمْلِكُ غَيْرَهُمَا يَوْمَئِذٍ وَاسْتَعْرْتُ تَوْبَتَيْنِ فَلَبِسْتُهُمَا فَانْطَلَقْتُ أَتَانِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَتَلَقَّانِي النَّاسُ فَوْجًا فَوْجًا يَهْتَنُونَنِي بِالتَّوْبَةِ وَيَقُولُونَ لِي تَهْنِئَتُكَ تَوْبَةُ اللَّهِ عَلَيْكَ حَتَّى دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ وَحَوْلَهُ النَّاسُ فَقَامَ طَلْحَةُ بْنُ عُبَيْدٍ اللَّهُ يَهْرُولُ حَتَّى صَافَحَنِي وَهَنَّا بِي وَاللَّهُ مَا قَامَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ غَيْرُهُ قَالَ فَكَانَ كَعْبٌ لَا يَنْسَاهَا لَطْلَحَةً، قَالَ كَعْبٌ: فَلَمَّا سَلَّمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ وَهُوَ يَبْزُقُ وَجْهَهُ مِنَ السُّرُورِ وَيَقُولُ أَبْشِرْ بِخَيْرِ يَوْمٍ مَرَّ عَلَيْكَ مِنْذُ وَلَدْتُكَ أُمُّكَ.»

از ندا دهنده‌ای شنیدم که بر کوه سلع بالا آمده و با صدای بلند می‌گفت: ای کعب! تو را مژده باد! من در همان حال به سجده (شکر) افتادم و دانستم که گشایش و فرجی حاصل شده است. پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از نماز صبح مردم را از این‌که خداوند عزوجل توبه مرا پذیرفته است، باخبر ساخت و مردم برای نوید و مژده دادن به من از مسجد خارج شدند. عده‌ای از بشارت دهندگان به طرف دو رفیق رفتند و مردی (زبیر بن عوام رضي الله عنه) سوار بر اسب با سرعت به سویم روانه شد، ولی مردی از قبیله اسلم (حمزه بن عمر الاسلمی رضي الله عنه) دوید، از کوه بالا رفت و به من مژده داد. صدای او را قبل از سواره شنیدم. چون این شخص (حمزه اسلمی رضي الله عنه) مژده دهنده به نزد آمد، در مقابل مژده‌اش هر دو لباسم را بیرون آورده و بر وی پوشاندم. قسم به خدا! در آن لحظه چیزی به جز آن دو جامه نداشتم و دو جامه دیگر به عاریت گرفته و پوشیدم و به قصد دیدار پیامبر صلی الله علیه وسلم به راه افتادم. مردم گروه گروه از من استقبال کردند و به خاطر قبول شدن توبه‌ام به من تبریک عرض کرده و می‌گفتند: قبولی توبه‌ات از سوی خداوند عزوجل مبارک باد!

به مسجد رسیدم و پیامبر صلی الله علیه وسلم را در حالی که مردم در اطرافش نشسته بودند، دیدم. طلحه بن عبیدالله رضي الله عنه به سرعت نزد من آمد و با من مصافحه نموده و تبریک گفت. هیچ يك از مهاجرین غیر از او از جایش بلند نشد و کعب این کار طلحه رضي الله عنه را هرگز فراموش نکرد. کعب گفت: وقتی به پیامبر صلی الله علیه وسلم

سلام کردم، در حالی که چهره مبارکش از شادی می‌درخشید فرمودند: این روز بر تو خوش باد! زیرا از زمانی که از
مادرت متولد شده‌ای، این روز بهترین روزی است که بر تو گذشته است.
ادامه دارد